

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۶ (۲۴/۸/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – ارکان عقد بیمه

موضوع بحث امروز: نیاز عقد التأمین به ایجاب و قبول

مقدمه: از مباحث گذشته معلوم شد که بیمه، عقد لازم و رضایی است، بنابراین بحث امروز در این است که
الفاظ عقدالتأمین چیست و همچنین در این عقد، موجب و قابل چه کسی است؛ آیا مؤمن است یا مستأمن؟ در
بحث امروز مسأله دوم مبحث بیمه از تحریرالوسیله را مورد بحث قرار می‌دهیم.

مسأله ۲ - يحتاج هذا العقد كسائر العقود إلى إيجاب وقبول، ويمكن أن يكون الموجب المؤمن والقابل المستأمن،
بأن يقول المؤمن: «على جبر خسارة كذا» أو «أنا ملتزم بجبر خسارة كذا» في مقابل كذا» فيقبل
المستأمن، وبالعكس بأن يقول المستأمن: «على أداء كذا في مقابل جبر خسارة على كذا» فيقبل المؤمن، أو «في
مقابل عهدتك جبرها» ويقع بكل لفظ

امام خمینی، ره در مساله دوم مسائل بیمه تحریرالوسیله می‌فرماید: این عقد مانند سایر عقود به ایجاب و قبول
نیاز دارد. و ممکن است که موجب، بیمه کننده و قابل، بیمه شونده باشد، به این که بیمه کننده می‌گوید: «جبران
فلان خسارت در مقابل فلان (مبلغ) بر من است» یا: «من به جبران فلان خسارت در مقابل فلان (مبلغ)، ملتزم
هستم»، پس بیمه شونده قبول می‌کند.

و بر عکس (آن هم ممکن است) به این که بیمه شونده می گوید: «بر من است پرداخت فلان (مبلغ) در مقابل جبران فلان خسارت»، یا: «در مقابل تعهد تو به جبران آن» پس بیمه کننده قبول می کند و با هر لفظی واقع می شود.

عقود رضایی، عینی و تشریفاتی

از شرایط صحت قراردادها، قصد و رضای طرفین است و این قصد و رضا به وسیله ایجاب و قبول مشخص می گردد. در تمامی عقود، ایجاب و قبول در کنار سایر شرایط، رکنی جداناپذیر از تشکیل عقد است اما در بعضی از عقود علاوه بر ایجاب و قبول رکن یا ارکان دیگری نیز نیاز است تا عقد شکل گرفته باشد به همین منظور عقود به سه دسته عقود «رضایی، عینی و تشریفاتی» تقسیم می شوند، این تقسیم بندی هرچند در عقود معهود در فقه نیز وجود دارد اما در مباحث حقوقی نیز مطرح و معمولاً اساس آثار و تبعات بعدی عقود، بستگی به این دارد که از کدام قسم از اقسام سه گانه عقود می باشند.

۱. **عقود رضایی:** عقودی هستند که به صرف ایجاب و قبول (که قاعدتاً همراه با توافق و رضایت طرفین می باشد) به وجود می آیند؛ مانند عقد نکاح، عقد اجاره، عقد بیع؛ فقها معمولاً در قواعد عمومی عقود و قراردادها، یکی از اصولی که بدان می پردازند و به عنوان اصل مشترک در عقود معرفی می کنند، «اصل رضایی بودن قراردادها» است چنانکه در لزوم و جواز عقود، اصل را بر لزوم عقود بیان می کنند.

۲. **عقود عینی:** عقودی هستند که در کنار ایجاب و قبول نیازمند قبض نیز هستند یعنی باید مال مورد معامله توسط یک طرف به طرف دیگر تسلیم شود و در واقع قبض شرط صحت آنهاست و بدون قبض اثری ندارند مانند عقد هبه، رهن و وقف.

۳. **عقود تشریفاتی:** عقودی هستند که علاوه بر ایجاب و قبول نیازمند رعایت شرایط و تشریفات خاصی هستند مانند بیع صرف (بیع طلا و نقره) که باید ثمن و مبیع، حال و فی المجلس، میان بایع و فروشنده، رد و بدل شوند یا مانند فروش اموال دولتی یا شرکت های حقوقی که باید مثلاً مزایده ای باشند.

با توجه به آنچه گفته شد، عقد بیمه، از عقود رضایی است و لذا اینکه مرحوم امام، ره می‌فرمایند: در عقد بیمه نیاز به مبرز (ایجاب و قبول) است و نیازی به قبض از طرفین نمی‌باشد و همچنین مبرز می‌تواند با هر لفظی باشد به دلیل رضایی بودن عقد بیمه می‌باشد نه عینی و تشریفاتی.

دو نکته در کلام امام خمینی، ره در این مسأله

نکته اول: در عقد بیمه مانند سایر عقود، نیاز به ایجاب و قبول است و دلیل آن این است که ایجاب و قبول، عبارت است از لفظ یا فعلی (در انشاء لفظی و انشاء فعلی) که نشانگر قصد و اراده طرفین قرارداد باشد. بنابراین هر عقد و قراردادی با ایجاب و قبول منعقد می‌شود. (پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود و لذا فقها بحثی دارند که می‌گویند: «هل یعتبر وجود الايجاب و القبول فی کلّ عقد، بحیث لو لم یکن، لما تحقّق العقد؟» و سپس به این پرسش، پاسخ داده‌اند که: «یعتبر وجود الايجاب و القبول فی کلّ عقد، بحیث لو لم یکن، لما تحقّق العقد»

نکته دوم: نکته دوم که ظاهر و معلوم می‌باشد این است که علاوه بر اینکه این دو رکن و فصول مقوم عقد هستند، میان ایجاب و قبول در عقود، فرق جوهری است و صرف مبادله و داد و ستد نیست به نحوی که بدون ایجاب و قبول، محقق گردد؛ به عبارت واضح‌تر: «الفرق بین الايجاب و القبول، أنّما هو امر جوهری ذاتی، و لیس بصوری ظاهری»

مناقشه در کلام امام خمینی، ره

با حفظ نکته دوم، عبارت تحریرالوسیله اینگونه می‌نماید که ایجاب و قبول امری صوری است و لذا هر کدام از مؤمن و مستأمن می‌توانند طرف ایجاب و طرف قبول باشند! مناقشه این است که چرا در عقود دیگر مانند بیع و نکاح و... این بیان را ندارند و مناقشه دوم این است که هدف از ایجاب که همراه با قصد موجب است، امری (فروشدگی) است و هدف از قبول که آنهم همراه با قصد دیگری (خریداری) است، از امور مختلف بالذات در تحقق عقد است؛ و لذا نمی‌توان پذیرفت که هر کدام از طرفین عقد بیمه می‌توانند موجب یا قابل باشند.

ظاهر عبارت تحریر الوسیله که فرمودند: «وبالعکس بأن یقول المستأمن...» نشان می‌دهد که ایجاب و قبول امری ظاهری است که هم مؤمن (بیمه‌گر) می‌تواند طرف ایجاب و قبول باشد و هم مستأمن (بیمه‌گذار) و در ناحیه موجب و قبول نیز همینطور است؛ یعنی هر کدام از آنها می‌توانند موجب و قابل باشند.

نکته سوم: نکته سوم نیز تفاوت ذاتی موجب و قابل می‌باشد، در اینجا نیز فقها می‌فرمایند: «الفرق بین الموجب والقابل هو امر جوهری لا صوری» به همان بیانی که در نکته دوم گفته شد؛ چرا که قاصد در هر کدام متفاوت از دیگری است، بلکه انشاء هر کدام متفاوت از انشاء دیگری می‌باشد. در عین حال برخی از فقها پس از قبول تفاوت جوهری میان ایجاب و قبول گفته‌اند:

«فأننا لا نسلّم بالثانی؛ ای: لزوم القبول و الايجاب فی صدق البیع، بل، یکفی وجود الطرفین فی صدق البیع؛ و ذلک لعدم وجود الدلیل علیه»

و بعد دلیل این بیانشان را اینگونه گفته‌اند:

«كما أنهم قالوا: البیع مبادلة مال بمال او معاوضة او نقل او تمليک؛ و هو بذلک یشتمل علی صورة وجود الموجب والقابل و عدمه؛ كما لا تقبل ذلک فی صدق عنوان العقد؛ لانّ العقد هو: العهد و الالتزام من الطرفین، من دون ان یتعتبر فیهِ شیء زائد؛ سواء كان بیعا أم لم یکن»

اشکال در بیان مذکور: این بیان مضافاً بر اینکه عقود را از حالت منضبط خارج و موجب اختلافاتی پس از مبادله می‌شود، بیان آخرشان که گفته‌اند: «البیع مبادلة مال بمال او معاوضة او نقل او تمليک؛ و هو بذلک یشتمل علی صورة وجود الموجب والقابل و عدمه» نیز مخدوش است، چرا که تعریف لغوی بیع همین است که گفته‌اند اما در تعریف، تحلیل و تفاوت فقهی یقیناً بین این دو فرق است

نتیجه بحث امروز

به هر صورت به نظر می‌رسد با توجه به سیره عقلائیّه، در عقد بیمه، که این سوال طرح شده که: «و من الموجب و القابل فی التّأمين؟» و یا تردیدی که برخی در بحث گفته‌اند که:

«فهل الموجب هو المؤمن، كما احتمله صاحب التحرير الوسيلة، او هو طالب التّأمين (المستأمن) كما قال به آیت الله الحلّی؟»

که به نظر می‌رسد با توجه به مطالب گفته شده و «ماهیت عقد التّأمين» و «عملیات التّأمين» مؤمن در مقام موجب و مستأمن در جایگاه قابل است.

ادامه بحث در جلسه آینده ان شاء الله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين